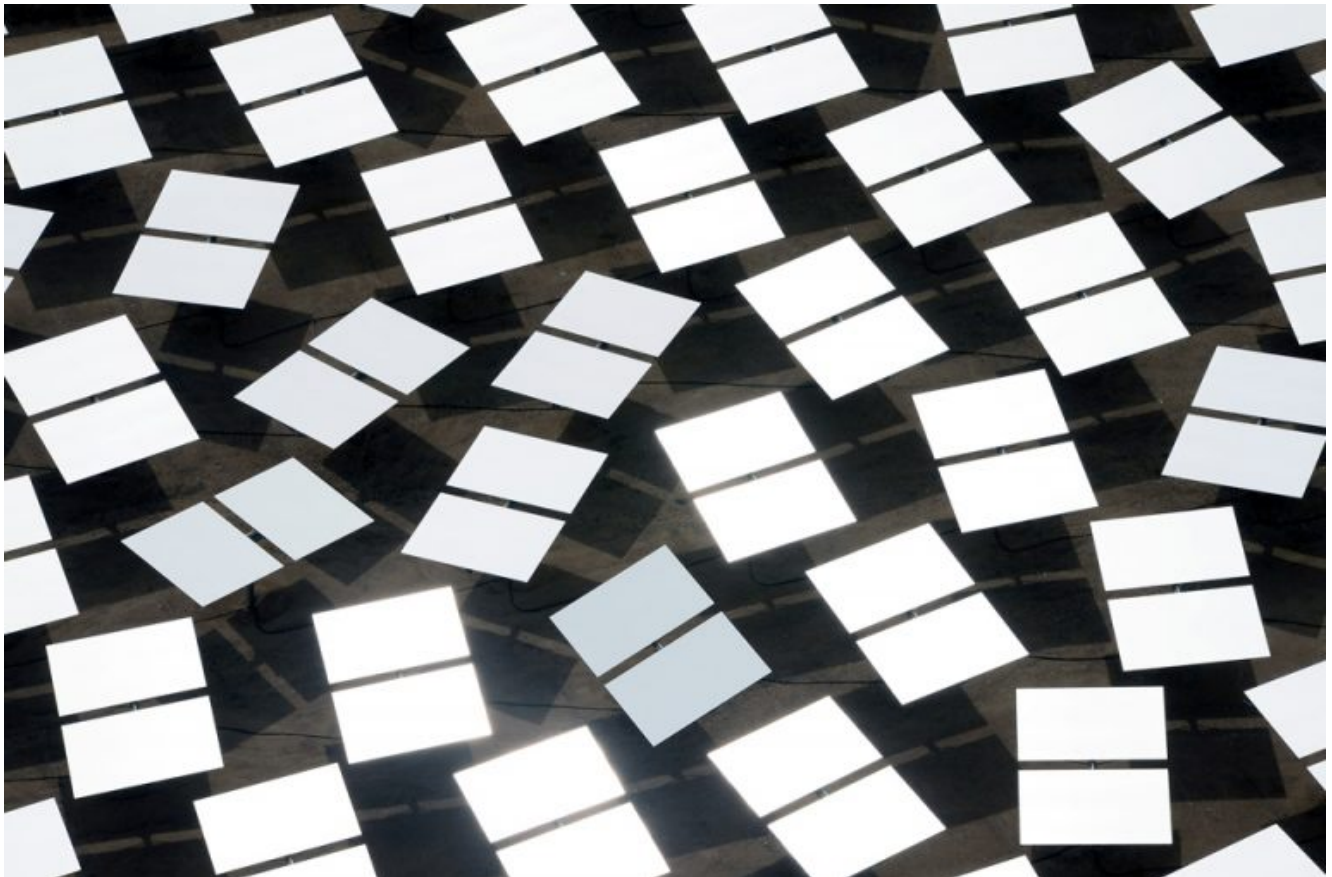




نور و آینه ها

در هفته پیش گفتیم، مخلوقات همه نشانه و آینه ای هستند که نور و قدرت و حکمت و جمال خداوند را نشان میدهند، البته در این امر همه یکسان نیستند و قابلیت ها متفاوت است، هر چه این آینه بزرگتر و صیقلی تر باشد نور بیشتری را بازتاب میدهد.

صیقلی بودن آینه بستگی به زدودن نفسانیت ها و هر آنچه غیر خدا و رضایت خدا است دارد، به طوری که هر چه در لا اله بکوشند الا الله بهتر نمایان خواهد شد.

مرحوم محمد کریم خان کرمانی اع در این مقام می فرماید:

ما همه مرآت حسن روی تو	*** **	کاندر او پیداست روی و موی تو
لیک هر يك در خور خود مظهریست	** ** **	از صفات حسن رویت مخبریست
چون مرایای صغیرند و کبیر	** ** **	در خور خود هر یکی از تو خبیر
لیک روی جملگی سویی تو است	** ** **	مرجع و مأوایشان کوی تو است
تخلیه از هر چه جز تو کرده اند	** ** **	تخلیه از عکس رویت برده اند
تخلیه شان سر قول لاستی	** ** **	تخلیه شان شاهد لاستی
جمله با این لا و الا ناکرند	** ** **	گر چه از ذکر ثنایت قاصرند
نکر ما اندر خور مرآت ماست	** ** **	همچو نفی ما همه اثبات ماست

خدا از صفات همه آنچه خلق کرده منزّه و پاک و مبرااست، چنانکه حضرت علی ع میفرماید کمال توحیده نفی الصفات عنه و مخلوقاتند که (آلوده) و مرکب از ذات و صفت هستند.

پس محال است که ذات خدای منزّه و سبحان با مخلوقات حادث و مرکب و ملوث قرین و همراه شود زیرا در چنین فرضی مخلوقی را تصور کرده ایم که با سایر مخلوقات درهم و قرین شده و گمان کرده ایم که خدا را متصور شدیم.

لذا هر آنچه از خداوند ذکر کرده و حرف میزنیم و از روابط آن با مخلوقاتش صحبت میکنیم همه درمورد همان نوری است که خود بالا رتبه ترین مخلوق خداوند است.

ما مُلَوَّث از صفات و از نوات	*** **	تو منزّه از صفات کاینات
ذات مطلق با صفت اندر شود	*** **	چُونِ مُلَوَّث با منزّه در شود؟
گر چه نامت در حروف خود بریم	*** **	لیک هر یک زاکر حسن توایم
در لسانِ هر یکی داری لقب	*** **	در طوایف از اعاجم وز عرب
خوانَدَتِ آنسان که ویرا هست کیش	*** **	هر کسی نامد تو را در لفظ خویش
و آن دگر تاري و آن دیگر شرّاه	*** **	آن یکی گوید خدا، آن یک اله
گر چه باشد نامهاشان مختلف	*** **	جملگی در قصد ذاتت مؤتلف
هر چه جز تو شمه ز اکرام تست	*** **	جمله عالم حروف نام تست
نام نامی تو اندر ذاتها	*** **	جمله حسن تست در مرآتها
جلوه ی حسن گرمی تو اند	*** **	ذاتها خود نام نامی تو اند
نیست چیزی غیر ذکر خوی تو	*** **	نیست نوری غیر نور روی تو
چیست غیر از جلوه ی رویت پدید	*** **	کور باد آن چشم، کو رویت ندید

چشم و درک ما آن چیزی را میفهمد که حد و حدود و اول و آخری داشته باشد فلذا قشرییون، با نهایت آشکاری نور خداوند قادر به دیدن آن نیستند چرا که حد و منتهایی ندارد.

از حد اوهاامشان بالا بود	*** **	بسکه نورت در جهان پیدا بود
از مقام درك تو گشتند دور	*** **	زین سبب از دید تو گشتند کور
هر چه را حد نیست از مدرك رود	*** **	چونکه درك چیزها از حد شوَد
پس برون از حد درك ماسواست	*** **	نور رویت را نه حد و منتهاست

معنی کلمات:

